

وَإِنْ خَذَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي...

و اگر تو خوارم نمایی چه کسی یاریم خواهد کرد ...

عزت به دست خداست

چون عزت از ناحیه خداست، اگر او دریغ فرماید، بنده به جز از خداوند صاحب عزت از چه راهی می تواند، کسب عزت نماید.

عزیزی که هر که ز درش رو بتافت به هر در که رفت هیچ عزت نیافت

سعدی

و چون ذلت و خواری نیز از سوی اوست، اگر او بنده ای را ذلیل نماید، چه کسی جز او می تواند، بنده را یاری رساند:

چاره ما ساز که بی چاره ایم      گر تو برانی به که روی آوریم

نظامی

حکایت

مورخان نوشته اند: در تاریخ خلفای عباسی، الْقَاهِرُ بِاللّهِ برادر الْمُقْتَدِرِ بِاللّهِ، تنها دوسال سلطنت کرد که خلافتش شامل سرزمین های ایران و عراق و حجاز و مصر و سوریه و غیره می شد.

گروهی از اتراک ریختند، او را کور کردند و از خلافت عزلش کرده و اموالش را هم بردند. روزی در مسجد جامع بغداد، او را دیدند که به واسطه کوری عصایی به دست گرفته و در صف جماعت، می گردد و می گوید: رحم کنید بر کسی که دیروز بر شما حکومت می کرد و امروز به کمک شما نیازمند است (شهید آیت الله دستغیب، سرای دیگر، ص ۷۶).

چه نیکو در قرآن آمده است:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: بگو! بار خدایا ای پادشاهِ مُلْکِ هستی، تو هر که را که خواهی مُلْک و سلطنت عطا می کنی و از هر که خواهی، سلطنت را می گیری، و هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار می کنی. تمام خیر، تنها به دستِ توست. بهدرستی که تو بر هر چیزی توانایی. (آل عمران: ۲۶)

حوزه نت